

## فصل اول: تجزیہ و تحلیل آثار گرافیک

## تجزیه و تحلیل

### ارتباط تصویری چیست؟

بطور کلی، هدف اصلی از تجزیه و تحلیل هراثر از نظر بصری نوشتن و یا صحبت کردن درباره آن به شیوه‌ای است که اثر بهتر فهمیده شود. نوشتهٔ تحلیلی با متن عادی یا نوشتهٔ صرفاً توصیفی تفاوت دارد، هرچند بخش مهمی از تحلیل اثر، توصیف آن نیز هست. برای تجزیه و تحلیل، ابتدا باید اجزای مختلف و قابل تشخیص کار را جداگانه توصیف کرد. سپس این اجزا با یکدیگر رادر کار توضیح داد، و نشان داد که اجزا و عناصر چگونه یک ساختار کلی و واحد را تشکیل داده‌اند و سرانجام در مواردی، براساس یافته‌های مشاهده شده بینیم آن اثر تا چه حد در بیان احساس، اندیشه یا ایجاد یک محیط بصری خاص موفق بوده است، که البته این کار داوری است و هدف اصلی تجزیه و تحلیل نیست. تجزیه و تحلیل آثار بصری زمینه و زبان مشترکی در کلیه رشته‌های هنرهای تجسمی دارد، ولی با این حال در ارتباط تصویری میزان ارتباط‌پذیری اثر با هدف یا موضوع تعیین شده برای ارتباط، و توجه به شرایط عمومی مخاطب و رسانهٔ مورد استفاده، بیش از همه مورد توجه است. بنابراین در تحلیل آثار بصری باید جنبه‌های دیگری از آنها را نیز ملاحظه کرد. هریک از موضوع‌های یاد شده، بسیار کلی است و خود سرفصل مطالب دیگری است. در این فصل سعی شده است به مهم‌ترین مباحث مورد نیاز و ابزار اولیهٔ تحلیل آثار بصری در ارتباط تصویری، که بطور کلی آثار گرافیک‌اند، توجه شود، تا حدی که دانشجویان رشته‌های ارتباط تصویری در مقاطع مختلف و عموم علاقمندان، بتوانند به کمک آن به تحلیل کلی و واقع‌بینانهٔ آثار گرافیک در ارتباط تصویری بپردازند و در نهایت تحلیل خود را بصورت نوشته یا مقاله‌ای مستند در کلاس درس یا محافل دیگر ارائه یا منتشر کنند. هدف دیگری که این فصل دنبال می‌کند این است که بیننده یا تحلیلگر آثار گرافیک در ارتباط تصویری، آگاه باشد که بهتر است هنگام اظهار نظر از ابزار عقیده و سلیقه‌های شخصی و پیش‌داوری خودداری کند، و از اظهار نظر کلی مثل «خوب»، «بد»، «زیبا»، «خلاقانه»، و دیگر مفاهیم کلی، مبهم و گاه پیچیده پرهیز کند. تنها

از این راه می‌توان به تحلیل مفید و ارزنده‌ای رسید؛ تحلیلی که نه تنها ما را به درک درستی از اثر می‌رساند، بلکه می‌تواند برای طراحان و سایر دست‌اندرکاران ارتباط تصویری نیز در ساخت‌وساز آثار، مفید و مناسب باشد. منظور از تحلیل «واقع‌بینانه» این است که مطالبی درباره‌ی اثر بیان یا نوشته شود، که براساس مشاهده‌های دقیقی صورت گرفته باشد که در اثر دیده می‌شود، و نیز به ملاحظات خاص فرهنگی، اجتماعی و قومی در کار توجه شود، به صورتی که برای عموم خوانندگان تحلیل مملوس و قابل فهم باشد، و تا حد امکان از برداشت‌های مبتنی بر گرایش‌ها و نقطه نظرهای خاص شخصی دوری شود، زیرا هدف اصلی از ارائه‌ی تحلیل، رسیدن به فهم بهتر از یک اثر گرافیک و دیدن جایگاه خاص آن در ارتباط تصویری است.

سرفصل‌ها و مباحثی که مطرح شده‌اند براساس مطالبی است که طی چندین سال در سطوح مختلف آموزش عالی تدریس شده است، و نیز حاصل پرسش و پاسخ و گفتگوهای بسیاری است که با دانشجویان علاقه‌مند رشته‌ی گرافیک در گروه ارتباط تصویری صورت گرفته است.

### بیان شخصی و ارتباط

در رفتارهای معمول برای برقراری ارتباط با دیگران، نوعی بیان شخصی از خود را نیز با آن می‌آمیزیم. برای مثال، یک روز تعطیل که قرار نیست به باشگاه ورزشی برویم، شلوار و پیراهن راحت ورزشی می‌پوشیم، تا با خانواده برای گردش به بیرون از شهر برویم، یا این‌که صبح شنبه با مانتوی مرتب یا کت و شلوار و کفش تمیز به سرکارمان می‌رویم. وقتی به این شیوه لباس می‌پوشیم دو موضوع را در نظر داریم؛ اول این‌که می‌خواهیم احساسی را که در آن موقعیت درباره‌ی خودمان داریم در خود تقویت کنیم، و دوم این‌که حال و هوای خودمان را به یکدیگر بیان کنیم. با پوشیدن لباس ورزشی در روز تعطیل می‌خواهیم از حس تعطیل بودن آن روز بیش‌تر لذت ببریم، و در عین حال به دیگران نیز بگوییم: «امروز کار تعطیله، می‌تونید با من غیررسمی و راحت باشید» یا در حالت دوم، با پوشیدن لباس مرتب، در حالی که می‌خواهیم حس اعتماد به نفس و جدی بودن را در خود تقویت کرده باشیم، مایلیم دیگران را نیز تحت تاثیر قرار دهیم یا به نحوی در ذهنشان نفوذ کنیم، و به آن‌ها بگوییم: «من دقیق،

وقت‌شناس و جدی هستیم». هنگام برقراری ارتباط، همیشه دو نیروی مختلف در کارند: از طرفی نیاز داریم دیگران را تحت تاثیر قرار دهیم، و از طرف دیگر می‌خواهیم هویت مطلوب خود را به خودمان یادآوری کنیم.

در هنرهای تجسمی با وضعیت دیگری روبرو هستیم. هنرمند با کارش بیش از این که بخواهد با دیگران ارتباط برقرار کند یا روی آن تاثیر بگذارد، مایل به بیان احساس و اندیشه خاص خود است. ارزش آثار هنری بیش‌تر در بیان شخصی احساس، اندیشه و تجربیات روحی هنرمند است. البته شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تا حدودی در ارزش یافتن یک اثر هنری موثرند. با این وصف حتی قوی‌ترین آثار هنری را فقط اشخاص معدودی بطور عمیق می‌فهمند و این آثار روی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. هنگام خلق اثر، توجه اصلی هنرمند بیان احساس شخصی خودش است، و چندان به فکر تحت تاثیر قراردادن دیگران نیست. اشخاصی که تحت تاثیر آثار هنری قرار می‌گیرند، بطور معمول از حساسیت بالایی برخوردارند، یا تجربه‌ی رویارویی با آثار هنری بسیاری داشته‌اند یا مجموعه شرایطی را که منجر به خلق اثر شده است، به درستی درک کرده‌اند.

ولی چنانچه یک اثر با هدف تاثیرگذاری روی فکر یا احساس مخاطبان ایجاد شده باشد، ما را وارد قلمرو دیگری به نام «ارتباط» می‌کند. طراح یا سازنده اثری با این ویژگی، باید از دانش و شیوه‌های کاربرد روان‌شناسی ارتباط، آگاه باشد؛ مخاطبان، گروه هدف و سفارش دهنده کار را بشناسد، تا بتواند کاری ارائه دهد که توانایی تاثیرگذاری بر گروه وسیعی از مخاطبان را داشته باشد.